



بِه زام خ داوند بخش نده مه ريان



WWW.EC.NAHAD.IR

جلسه چهارم

بررسی سطح تاریخی انقلاب اسلامی

قبلاً بیان شد که ما می‌توانیم در چهار سطح دستاوردهای انقلاب اسلامی را تبیین کنیم.

چندی پیش مقام معظم رهبری فرمودند که ما در یک پیچ تاریخی عظیم قرار داریم و آینده برای اسلام است.

تاریخ مدون بشری:

تاریخ تمدن مدون بشری به سه دوره تقسیم شده است: ۱- قرون قدیم ۲- قرون وسطی ۳- قرون معاصر اما هیچ کس به حوادثی که منجر به تبدیل قرون قدیم به قرون وسطی و قرون وسطی به قرون معاصر شد اشاره نکرده است.

قرون قدیم:

رقابت و تعارضی که میان شرق و غرب وجود داشته است همواره تمدن‌ساز بوده است، در دوران قرون قدیم علم و دانش در غرب و یونان باستان و تمدن هلنیک قرار داشت و هنوز نیز ما از آبشخور اندیشمندانی چون افلاطون و ارسطو و بقراط و سقراط و... داریم استفاده می‌کنیم و آن‌ها خدمت بزرگی به علم و دانش بشری انجام داده‌اند اما در شرق خبری نبود و

حتی یک مکتوب یا یک اندیشمندی که بتواند هم پای اندیشمندان در غرب باشد نداریم تنها کتاب موجود اوستا است و سنگ نوشته‌ها هستند اما کتاب‌هایی مانند آثار سقراط و افلاطون و ارسطو واقعاً وجود نداشت و در این دوران دو امپراطوری بر شرق و غرب حاکم بودند، یکی امپراطوری روم و دیگری امپراطوری ایران بودند و معمولاً نیز این دو در رقابت سلطه بر کل جهان با هم جنگ داشتند.

حادثه اول و قرون وسطی:

حادثه‌ای که رخ داد و این دوره به پایان رسید بعثت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) بود، یعنی بعثت پیامبر اکرم در سال ۶۱۰ میلادی بوجود آمد و اتفاقات عظیمی رخ داد یعنی دو امپراطوری نابود شدند و علم و دانش نیز از غرب رخت بر بست و به شرق و جهان اسلام آمد و به مدت ۱۰۰۰ سال در اختیار مسلمین بود در این دوره غربی‌ها در جهالت و تاریکی بودند و معروف است و خودشان اعتراف می‌کنند و این دوران را dark ages می‌نامند یعنی ۱۰۰۰ سال هیچ چیزی برای ارائه نداشتند و اندیشمندان بسیار بزرگی در جهان اسلام بودند و به علم و دانش کمک کردند و کتاب‌های یونانی را ترجمه کردند و نهضت ترجمه به راه افتاد و بر این مطالب افزودند حتی نام دروس جدید را مطرح کرد مثل الجبرا، الگبریتیم و... حتی عدد وجود نداشت و این اعداد انگلیسی را از ما گرفتند و خودشان آن را Arabic nomralls یعنی نمره‌های عربی می‌نامند.

و لذا به مدت ۱۰۰۰ سال جهان اسلام گسترش یافت از آندلس در غرب تا شبه جزیره بالکان در شمال تا جنوب صحرای آفریقا و در شرق نیز تا مالزی و اندونزی گسترش یافت و حتی در سیسیل تا نزدیکی‌های رم نیز رسید، اما مقابله غرب و شرق تمام نشد بلکه جدی‌تر شد به مدت ۲۰۰ سال با ما جنگ سخت داشتند یعنی جنگ‌های صلیبی و شکست خوردند و جنگ بر سر قدس و فلسطین بود و بعد از آن دویست سال مدت ۸۰۰ سال جنگ نرم را در پیش

گرفتند ۳۰ جلد کتاب فهرست کتابخانه اندلس بود و در اسکندریه و بغداد نیز همینطور بود و چنین عظمتی داشت و هنوز نیز مشاهده می‌شود که مثلاً تنگه جبل الطارق به نام فرمانده معروف اسلامی است.

بعد از ۸۰۰ سال با کمک شراب و زن و وسوسه‌های شیطانی، فرماندهان رو به سمت خود کشیدند؛ کلیساها محل ضیافت‌ها و شراب خوری های مسلمانان شده بود و دیرها زنانی که به عنوان راهبه بودند را در اختیار آنان قرار می‌دادند و به صراحت هم اذعان کردند که باید ما افکار و عقاید و این قدرتی که قدرت ایمان است از مسلمانان بگیریم.

دو امپراطوری نیز در این دوران حاکم بودند یکی امپراطوری واتیکان به نام رم مقدس بود و دیگری امپراطوری عثمانی بود. با وجود اینکه حکومت‌های اسلامی بعد از پیامبر به جز در دوره محدودی واقعاً اسلامی نبودند و اسلامی عمل نمی‌کردند ولی اسلام تا این حد گسترش یافت.

حادثه دوم و قرون معاصر:

حادثه دوم که به عنوان پیچ تاریخی مهم از آن یاد می‌کنیم رنسانس است در سال ۱۶۴۸ کشیشی آلمانی به نام مارتین لوتر بر علیه خرافات کلیسای قیام کرد و سی سال در خود اروپا جنگیدند که به جنگ مقدس معروف است، جنگ با مسلمانان نبود بلکه در اروپا با خود جنگیدند و مکتب پروتستان به معنی معترض ایجاد شد و نهایتاً پروتستان‌ها در رم و واتیکان بر کاتولیک‌ها پیروز شدند و عهدنامه‌ای به نام وستفاليا تنظیم شد و این عهدنامه را می‌توان آغازی بر دوران قرون معاصر نامید، دو امپراطوری از بین رفتند و امپراطوری رم به استادیومی به نام واتیکان محدود شد، دین از سیاست جدا شد و غرب خود را محق دید تا دنیا را استعمار کند، نظام دولت و ملت تشکیل شد، جهان اسلام به خواب فرو رفت و علم نیز فقط به صورت علم تجربی درآمد و گفتند چون خدا را به زیر تیغ جراحی نمی‌توانیم تشریح کنیم پس خدا مُرده است؛ ولذا با تکیه بر جدایی از خرافات کلیسا علم و دانش تجربی را که از معنویت و

اخلاق جدا شده بود پیش ببرند و به مدت سیصد سال بر دنیا سیطره یابند و این نظام سلطه بود؛ و نهایتاً در این دوره نیز دو امپراطوری شوروی و امریکا حاکم شدند.

حادثه و پیچ تاریخی انقلاب اسلامی ایران:

حادثه‌ای که رخ داد و این دوره را به پایان رساند و پیچ تاریخی است که مقام معظم رهبری اشاره فرمودند انقلاب اسلامی است که در سال ۱۹۷۹ میلادی بود و سی سال قبل از رخ دادن این اتفاق، تویینبی مورخ انگلیسی در کتاب تمدن در بوته آزمایش آن را پیش‌بینی کرده بود، جمله بسیار جالبی دارد وی می‌گوید: اسلام خوابیده است ولی اگر پرولتاریای جهانی قیام کنند و به دنبال رهبری بگردند این خفته اگر به اندازه خفتگان هفتگانه هم در خواب بوده باشد بیدار خواهد شد و بانگ او دنیا را به لرزه در خواهد آورد.

سی سال بعد در سال ۱۹۷۹ م انقلاب اسلامی پیچ سوم تاریخ بود و به قول مقام معظم رهبری بعثت دوم اتفاق افتاد.

حوادث بعد از انقلاب اسلامی:

امپراطوری شوروی فرو پاشید و تمام شد و امپراطوری آمریکا نیز در حال فرو پاشی است، اگر در اینترنت و در گوگل عبارت the collapse of America یعنی فروپاشی آمریکا را جستجو کنیم مشاهده می‌کنیم که کتب و مقالات زیادی در خود آمریکا در این مورد نوشته شده است و شش سازمان اطلاعاتی آمریکا پیش‌بینی نموده‌اند که در سال ۲۰۳۰ م کشوری به نام ایالات متحده آمریکا باقی نخواهد ماند و بدانید فرو پاشی آمریکا ۱۰۰۰ برابر بدتر از شوروی خواهد بود زیرا شوروی دارای سابقه تاریخی امپراطوری بود، دارای زبان مشخصی بود، و ملتی به نام ملت روس، ارتودوکس و اسلاو داشت و دارد و به همین علت توانست ادامه پیدا کند اما دیگر ابرقدرت نیست، اما آمریکا هیچ یک از این عوامل را ندارد، قومی مهاجر

از ملیت‌های مختلف در آنجا جمع شده‌اند و هم اکنون ۳۳ نهضت آزادی بخش در ایالات مختلف آمریکا وجود دارد که جدایی طلب هستند همه این ایالات دولت‌های جداگانه‌ای بودند که به زور جنگ آن‌ها را بهم متصل نمودند، نژاد و مذهب مشخصی ندارند، دو عنصر با عث جمع شدن آن‌ها در کنار یکدیگر شده است: ۱- رفاه ۲- امنیت

در حال حاضر هر دو این عناصر از آن‌ها گرفته شده است. بنابراین آمریکا هم در حالت فروپاشی قرار دارد و لذا انقلاب اسلامی فصل جدیدی را در تاریخ تمدن بشری ارائه داده است که در آن جهان اسلام در حال عروج است و جهان غرب در حال افول است و ملاحظه می‌کنید که نه اروپا و نه آمریکا نتوانست مشکل اقتصادی خود را حل کند و الان در یونان و اسپانیا و ایتالیا خود فروشی زنان برای ارتزاق تبدیل به امری عادی شده است و مشکلاتشان قابل حل نیست و علت آن هم این است که نظام سرمایه داری به آخر خط رسیده است.

از نظر علم و دانش نیز در همین سی سال که یک روز از تاریخ پیش نیست ما کشوری بودیم که از نظر درجه علمی در پایین‌ترین درجات بودیم و در همین سی سال و امروز توانستیم به بالاترین درجات علمی که آن‌ها آرونده آن بودند مثل فناوری نانو، سلول‌های بنیادین، هوا و فضا و غیره برسیم و در شرایطی که در تحریم هستیم و آن‌ها نه تنها کمکی به ما نمی‌کنند بلکه بر سر راه ما سنگ اندازی نیز می‌کنند.

بنابراین انقلاب اسلامی دستاورد بزرگی برای تاریخ تمدن بشری داشته است به این معنا که قرون معاصر را به پایان رساند و سلطه غرب را بر جهان به چالش کشاند و نوید دوره جدیدی را می‌دهد که یقیناً از پانصد سال کمتر نخواهد بود، یعنی اینکه این مسیر عروج قطعی است، البته چالش‌هایی داریم، وقتی ما به سمت قله در حرکت هستیم هنوز به قله نرسیده‌ایم و در مسیر ما دره نیز وجود دارد اما این دره انقلاب را در خود فرو نمی‌برد بلکه افراد را فرو می‌برد و ریزش‌ها فرو می‌روند اما انقلاب مسیر خود را طی می‌کند.

نکته‌ای جالب‌تر اینکه در یک مطالعه تطبیقی میان پیچ اول و پیچ سوم، در پیچ اول بعد از رحلت پیامبر اکرم انحراف در نظام سیاسی اسلامی ایجاد شد و با وجود این انحراف ۱۰۰۰ سال مسلمانان در دنیا آقایی کردند با وجود اینکه نظام حاکم دیگر اسلامی نبود بلکه سلطنت بود، در این پیچ سوم به حمد الله تعالی بعد از رحلت امام ذره‌ای در نظام اسلامی ما انحرافی ایجاد نشد که هیچ‌یک بلکه مقام معظم رهبری دقیقاً و عالمانه‌تر و مدبرانه‌تر پا را جای پای حضرت امام گذاشتند و در حال پیشبرد انقلاب در مسیر هستند بنا بر این اگر در آن دوره مسلمانان ۱۰۰۰ سال حاکم بودند در این دوره باید قطعاً دوره‌ی گسترده‌تر و طولانی‌تر باشد.